

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «اقطاع»

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۰۲

تاریخ: ۱۳۹۳/۱/۲۰



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «اقطاع»

مؤلف:

مهدی عرفانیان

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۰۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱/۲۰

پژوهشکده شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۳
چکیده	۴
۱- درآمدی بر اقطاع	۴
۲- تعریف لغوی و اصطلاحی اقطاع	۴
۳- تاریخچه اقطاع	۵
۴- مفاهیم مشابه	۶
۵- ارکان اقطاع	۷
۱-۵- مقطع	۷
۲-۵- مقطع له	۸
۳-۵- قطیعه	۹
۶- انواع اقطاع در فقه اسلامی	۱۱
۱-۶- اقطاع تملیک	۱۱
۲-۶- اقطاع استغلال	۱۱

- ۳-۶- اقطاع ارفاق..... ۱۲
- ۷- ضوابط اقطاع..... ۱۲
- ۱-۷- عدالت:..... ۱۲
- ۲-۷- مصلحت..... ۱۳
- ۳-۷- قاعده لاضرر..... ۱۳
- ۸- تبیین وضعیت اقطاع در نظام حقوق داخلی..... ۱۳
- نتیجه گیری و جمع بندی..... ۱۶
- منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر:..... ۱۷
- منابع..... ۱۸

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

چکیده

اقطاع اصطلاحی در امور ارضی، مالیاتی و دیوانی در قلمرو اسلام و آن واگذاری زمین، آب، معدن یا منافع حاصل از آن، یا واگذاری حق گردآوری خراج یا واگذاری محلی برای کسب و کار است به کسی به طور محدود و در زمانی معین یا نامحدود. در این مقاله معانی و اطلاعات نظری و حقوقی اقطاع و سپس ضوابط آن مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- درآمدی بر اقطاع

از نهادهای اقتصاد اسلامی برای توزیع مدبرانه و عادلانه سرمایه‌ها و ثروت های ملی به خصوص زمین های موات، نهاد اقطاع می‌باشد. این نهاد اقتصادی که برای انتقال ثروت‌های عمومی به افراد و گروه‌های معین است علاوه بر رفع مسائل مالکیت زمین و آب، نقش موثری در ایجاد عدالت اجتماعی داشته و رشد پایدار اقتصادی را در پی دارد.

مطالعه منابع تاریخی بیانگر آن است در صدر اسلام توزیع عادلانه منابع طبیعی توسط رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم به زیباترین شکل و قالب، به منصفه اجرا درآمد و موجبات رفاه و شکوفایی اقتصاد آن دوران گردید. اقطاعات پیامبر صلی‌الله علیه و آله وسلم از تشکیل اولین دولت اسلامی در مدینه آغاز شد و چنین می‌نماید که مساله اسکان مهاجران، رفع بیکاری و اشتغال‌زایی، آبادانی شهرها، تشویق مسلمانان به جهاد و کوچ مسلمانان به مناطق دیگر و ماندگاری در آن مناطق در آغاز شکل‌گیری اقطاع موثر بوده است. اقطاع زمین توسط رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم، موجب شد مردم به تولید و کشاورزی و درختکاری که عامل بزرگ پیشرفت اقتصادی می‌باشد تشویق شوند و مردم از صحرانشینی دست کشیده و تشکل اجتماعی قوی و امت واحده اسلامی تحقق یابد.

۲- تعریف لغوی و اصطلاحی اقطاع

اقطاع از ماده «قطع» به معنای بریدن، جدا کردن، جدا شدن، خشک شدن، قطعه قطعه کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ۲۲۳) است و در معنای قطع کردن، واگذار کردن و گرفتن و از بین بردن بخشی از چیزی نیز آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۱۴۹۵)

اکثر فقها «اقطاع» را تعریف نکرده‌اند و گروهی از آنان گرچه تعریفی نکرده‌اند، اما

احکامی که درباره اقطاع آورده‌اند، تا حدودی زیادی مفهوم آن را روشن می‌کند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۳) ابن حمزه اقطاع را چنین تعریف کرده است:

«واگذاری زمین، کوه و معدنی را که جز با کار و سرمایه‌گذاری به مرحله سوددهی نمی‌رسد، به یکی از رعایای خود» (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۱۳۴)

در دائرة المعارف فرهنگ فقه نیز اقطاع را واگذاری زمین یا منافع حاصل از آن یا محل کسب برای زمانی محدود یا نامحدود به کسی از سوی حاکم تعریف کرده است. (شاهرودی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۵۳)

فقهای اهل سنت نیز تعریف مشابهی ارائه داده‌اند. آنان اقطاع را به معنای «اختصاص دادن بخشی از زمین‌های عمومی به فردی خاص و در نتیجه اولویت او به آن زمین» دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۶: ۸۱)

۳- تاریخچه اقطاع

اقطاع با هجرت رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی آغاز شد، رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم انواع اقطاع را به مردم در نقاط مختلف سرزمین پهناور اسلامی واگذاشت؛ به طوری که بیشترین اقطاع‌ها در زمان رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم به وقوع پیوسته است.

پس از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم اقطاع‌ها ادامه یافت. (ابو یوسف، ۱۳۰۲: ۶۰-۶۲) و هدف از آن آبادانی، تشویق به گروش به اسلام، پشتیبانی از سرداران و جنگجویان مسلمان بود. (ابو یوسف، ۱۳۰۲: ۶۲) گرچه حدود و مصادیق اقطاع، بنابر شیوه‌ها و نظرات خلفا بعد پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله وسلم تفاوت‌هایی یافت. مثلاً ابوبکر بخشی از زمین «حرف» را به زبیر اقطاع نمود. (ابن رجب، ۱۳۰۲: ۷۷) ولی عمر به واگذاری اقطاع تمایل نداشت (ابوعبید، ۱۴۰۸: ۳۵۸) و حقوق بیت المال و مسلمانان عصر خود و نسل‌های بعد را مهمتر می‌شمرد. او در مواردی اقطاع‌های قبلی را باطل (ابوعبید، ۱۴۰۸: ۳۵۸) و یا محدود (ابو یوسف، ۱۳۰۲: ۶۵) کرده است.

اما خلیفه سوم اقدامات گسترده‌ای در این باره داشت، تا آن‌جا که نقل شده است که او کسی بود که دست به اقطاع زمین‌های عراق و خراجی زد و برخی از زمین‌ها را فروخت. (مظفر، ۱۳۹۲: ۳۱۷)

نخستین تحول در مساله اقطاع در اواخر قرن سوم، چهارم و دهه‌های نخست قرن پنجم به وجود آمده است. در این دوره بررسی‌های نظری عمیقی درباره اقطاع به عمل آمد که نه تنها به تدوین اصول و مبانی و ابواب آن انجامید، بلکه به علت تغییرات مهمی که عملاً در تعاریف و انواع و مصادیق اقطاع و هدف از واگذاری اقطاعات روی نمود، واژه‌های دیگری از جمله ایغار^(۱)، طعمه^(۲) و مقاطعه^(۳) برای بعضی از انواع آن به کار رفت.

۴- مفاهیم مشابه

تحجیر: به معنای ایجاد اثری در زمین موات اما نه به حد احیای آن است. در واقع تحجیر مرحله آغازین احیای زمین به شمار می‌رود (مبسوط، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۳) و معمولاً با سنگچین کردن یا کندن خندقی کوچک یا کشیدن دیواری کوتاه به دور زمین و شروع حفر چاه یا کندن نه‌ریش از رسیدن آب صورت می‌گیرد. (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۸)

احیای موات: احیا در لغت به معنای زنده نگه داشتن است و احیای موات نیز به معنای آباد کردن زمین ویران می‌باشد؛ و در اصطلاح فقهی به زمینی که بر اثر بی‌آبی یا آب گرفتگی یا نزار بودن و یا موانعی دیگر، آماده بهره‌برداری نیست، «موات» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۱۳۳) و به عملیات برطرف کردن موانع و آماده‌سازی آن برای بهره‌برداری، «احیاء» گفته می‌شود.

بیشتر فقیهان شیعه در کتاب فقهی، اقطاع را در عرض تحجیر و ذیل باب احیای اراضی موات بررسی کرده‌اند. اقطاع و تحجیر حق اولویتی را ایجاد می‌کنند که امکان شروع به احیا را فراهم می‌کنند. در احیای اراضی اگر با اذن خاص امام، احیا صورت گیرد، آن را اقطاع گفته و اگر با اذن عام صورت گیرد نیاز به تحجیر است تا برای تحجیر کنند حق اولویت پدید آید.

۱. مراد از ایغار واگذار ملک یا روستایی به صاحب منصبی بود به نحوی که ماموران مالیاتی متعرض آن نشوند و در عوض آن صاحب منصب تعهد کند که هر سال مبلغ معینی به خزانه برساند
۲. طعمه اصطلاحاً به اجاره کوتاه مدت و بلند مدت اراضی دیوانی گفته می‌شود
۳. به گردآوری مالیات‌های اراضی توسط فردی در ازای مبلغ معین به دولت مقاطعه گفته می‌شد

۵- ارکان اقطاع

ارکان اصلی نهاد اقطاع در فقه اسلامی عبارت است از: مقطع (واگذار کننده)، مقطع له (واگذار شونده) و قطیعه (زمین واگذار شده) است. در اینجا برای تبیین بیشتر ارکان اقطاع به توضیحات بیشتری در این باره خواهیم پرداخت:

۵-۱- مقطع

مقطع به معنای کسی است که زمین و امثال آن را واگذار می‌کند؛ چه کسی مجاز است زمین موات و امثال آن را واگذار کند؟ این رکن از اهمیت فراوانی در فقه اسلامی برخوردار است و فقیهان فراوانی در باره نحوه و چگونگی و آثار فقهی و حقوقی این رکن سخنان زیادی را ایراد فرموده‌اند. با مراجعه به منابع فقهی، گزارش‌ها و مستندات تاریخی می‌توان گفت فقهای امامیه و فقهای اهل سنت درباره این که چه کسی می‌تواند زمین‌های موات یا آباد را واگذار کند، دارای دیدگاه‌های متنوع و حتی متفاوتی هستند که در یک تقسیم‌بندی کلی، افرادی که می‌توانند تحت شرایطی اقطاع نمایند، می‌توان به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، ائمه معصومین علیهم السلام و حاکم اسلامی اشاره کرد.^(۱)

بنابه اجماع فقهای امامیه و اهل تسنن، اقطاع پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم جایز است و فقها و بزرگان شیعه به اقطاع پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اشاره کرده‌اند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲)

درباره جواز اقطاع ولی فقیه در عصر غیبت دو قول وجود دارد. از جمله این اقوال، قول عدم جواز اقطاع توسط ولی فقیه که زعامت جامعه اسلامی را بر عهده دارد، می‌باشد. بر اساس این قول، گروهی از فقها بر این باورند که اقطاع ویژه معصوم است. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۳: ۲۹۴) از این رو برخی از آنان بر این باورند که برای فقیه، اقطاع معادن که واگذاری آن‌ها منوط به آگاهی از مصالح واقعی است، جایز نیست. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۳: ۲۹۴)

بر خلاف آن دسته از فقهای که قائل به عدم جواز اقطاع ولی فقیه در عصر غیبت می‌باشد، غالب فقها اقطاع را برای ولی فقیه جایز می‌دانند؛ زیرا ولی فقیه جانشین و نائب امام در زمان غیبت در همه مصالح و منافع عمومی و حکومتی است و اقطاع و واگذاری

۱. اختیار اقطاع اراضی از آن حیث شخصیت حقوقی ایشان است که مسئولیت اداره حکومت اسلامی بر عهده دارند نه از حیث شخصیت حقیقی

زمین و امثال آن از مصادیق منافع عمومی و حکومتی است و ادله اثبات ولایت فقیه نسبت به اموری از قبیل اقطاع، شمول و اطلاق روشنی دارد. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۸: ۵۵)

۲-۵- مقطع له

مقطع له به کسی می‌گویند که زمین یا مال به او واگذار شده است. بر طبق روایات نقل شده درباره واگذاری‌های رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم مقطع له می‌تواند، مرد یا زن، شخصیت حقوقی و یا شخصیت حقوقی از قبیل قبیله، مؤسسه، تعاونی، و امثال آن باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۳) با نگاهی به اقطاع رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم می‌توان بدین نکته دست یافت که اقطاع ایشان بر اساس معیارها و ضوابط مشخص و معین صورت گرفته است. بدین بیان که پیامبر خدا در واگذاری اقطاع به مقطع له ملاک‌هایی را اعمال می‌کردند که از جمله این معیارهای می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱-۲-۵- اسلام و ایمان

اسلام و ایمان داشتن از شرایط اساسی اقطاع‌ها در تاریخ اسلام به شمار می‌رود. بررسی اسناد نقل شده از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم نشان می‌دهد، ایشان ایمان و اسلام را در واگذاری‌ها شرط می‌دانستند. در برخی از نامه‌ها آمده است این اموال به او داده می‌شود به شرط آن که در اسلام و ایمانش صادق باشد و به راستی ادعای ایمان کرده باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۶)

۲-۲-۵- قدرت احیاء زمین

بر طبق این شرط، حاکم جایز نیست زمین را به کسی واگذارد که توان احیای آن را نداشته باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۳) این شرط مبتنی بر آن است که هدف از اقطاع را احیای زمین و مانند آن بدانیم. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۵۰۰) حتی به این مطلب اشاره شده است که باید احیاء زمین را به تاخیر نیندازد و اگر عذری داشته باشد از حاکم برای مدت معین درخواست مهلت نماید.

۳-۲-۵- احیا و آبادانی زمین

از شروط دیگر مقطع له که به طور مکرر در واگذاری زمین‌های موات از سوی رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم مورد نظر واقع گردیده است، احیاء و آبادانی زمین است. بر طبق اسناد، واگذاری زمین به فلان شخص، یا اشخاص و یا قبیله به این شرط صورت

می‌گیرد که زمین یاد شده را اصلاح یا آباد کنند؛ در برخی از این نامه‌ها واژه احیاء و در برخی نامه‌ها اصلاح به کار رفته است. (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

درباره اقطاع رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم به بلال بن حارث که در منابع شیعه و سنی نقل شده است، چنین آمده است: «رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم اراضی عقیق^(۱) را تا زمانی که در آن‌ها کار شود و با کار و فعالیت، آن اراضی آباد گردد به بلال بن حارث وی واگذار کردند» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۶۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۶۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۳۰)

۳-۵- قطیعه

قطیعه جمع آن «قطاع» است و اصطلاحاً به مالی گفته می‌شود که واگذار شده است. فقهای امامیه در منابع مختلف فقهی به تبیین قطاع پرداخته‌اند که اهم موارد اقطاع عبارت‌اند از:

۱-۳-۵- زمین‌های موات

زمین‌های موات از مواردی است فقها به جواز اقطاع آن حکم کرده‌اند. در این باره برخی فقها به صراحت زمین‌های موات را از قطاع دانسته (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۰؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۱۳۰؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۳۲)^(۲) و در جواز اقطاع این گونه اراضی ادعای اجماع کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۱۵۹)

این گونه اقطاع‌ات در سیره پیامبر بسیار دیده می‌شود که گزارش آن در منابع تاریخی بیان شده است^(۳) و فقهای امامیه نیز بر این پایه همین گزارش و اسناد تاریخی و ادله‌ای که در اختیار داشته‌اند، به جواز اقطاع زمین‌های موات حکم کرده‌اند و کمیت و کیفیت

۱. نام محلی است.

۲. الأحکام التي تتعلق بالموات ثلاثه الاحياء والحمى والإقطاع

۳. از جمله اقطاع‌ات رسول خدا که در منابع تاریخی بیان شده است می‌توان به اقطاع زمین مواتی در یمامه به مجاعه بن مراره حنفی (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۲۶)؛ اقطاع زمینی در حضرموت به وائل بن حجر حضرمی (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۳۰؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۰۷)؛ اقطاع بخشی از موات یمامه به فرات بن حیان عجلی (ابوعبید، ۱۴۰۸: ۳۵۹)؛ اقطاع سراسر عقیق به بلال بن حارث (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۶۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۶۹؛ احمدی میانجی، ۱۳۶۳: ۲۷۶)، اقطاع بیت عینون و جیرون به دارین (احمدی میانجی، ۱۳۶۳: ۴۸۴) و ... اشاره کرد.

واگذاری را بر طبق نظر مقطع دانسته‌اند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۸۷)

۲-۳-۵- زمین‌های آباد

از موارد دیگر متعلق اقطاع، زمین‌های آباد است. اسناد و شواهد متعدد تاریخی صدر اسلام نیز در این زمینه شاهی بر این مدعاست. از مهم‌ترین اقطاع زمین‌های آباد توسط رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله وسلم می‌توان به اقطاع زمین‌های فلسطین به تمیم و نعیم داری که از نمایندگان گروه داریین^(۱) بودند اشاره نمود؛ در اقطاع نامه این مناطق تأکید شده است که تمام مایملک این آبادی اعم از کوه، دشت، مرتع، زرع و... در اقطاع تمیم و اعقاب او خواهد بود. (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۸۶) علاوه بر این، در میان اقطاعات پیامبر خدا، اقطاع زمین‌های آبادی چون نخلستان‌های اقطاعی به زیربن عوام از اراضی خیبر (واقدی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۸۹؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۲) و اراضی بنی‌نضیر (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۶) به چشم می‌خورد که نمونه‌های بارز اقطاعات زمین‌های آباد می‌باشد.

از دیگر اقطاعات این گونه اراضی، فدک است که توسط پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و آله وسلم به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها واگذار شد. (مظفر، ۱۳۹۲: ۳۰۷)

۳-۳-۵- معادن

بررسی منابع تاریخی نشان دهنده این مطلب است که معادن از جمله منابعی است که در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله وسلم متعلق اقطاع واقع شده‌اند. در نامه‌هایی که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله وسلم درباره اقطاع نقل شده، انواع اقطاع‌ها به چشم می‌خورد و یکی از منابعی که توسط رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله وسلم مورد واگذاری و اقطاع قرار گرفته است، معادن می‌باشد. فقیهان امامیه نامه واگذاری معادن به بلال بن حارث مزنی را در منابع مختلف فقهی نقل کرده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۸: ۵۱۴؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۳: ۶۱)

فقه‌های شیعه معادن را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: معادن ظاهری و باطنی؛ معروف میان فقیهان شیعه آن است که اقطاع معادن باطنی جایز است؛ (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۸: ۱۰۱) اما اختلاف نظر جدی میان فقیهان شیعه درباره معادن ظاهری است^(۲) قول معروف جائز نبودن این گونه معادن است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۲۲۱)

۱. نام قبیله است از قبایل فلسطین

۲. معادن ظاهری معادنی هستند که دستیابی به تولید در آن‌ها نیاز به کار و سرمایه‌گذاری کمتری در مقایسه با معادن باطنی دارد و برای بهره‌برداری از آن نیاز جدی به احیاء ندارد

۴-۳-۵- آب ها

آب ها از جمله منابع دیگری است که سنت قطعی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بر اقطاع آن صحت می گذارد؛ از این رو افزون بر اقسام زمین و معادن، گاه آب یا حق آبیاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اقطاع شده است و آب اعم از آب های رودخانه ها، چاه ها و چشمه بوده است. (ابویوسف، ۱۳۰۲: ۵۹-۶۱)

۶- انواع اقطاع در فقه اسلامی

اقطاع انواع مختلفی دارد که فقها در منابع فقهی بدان اشاره نموده اند از انواع اقطاعات می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱-۶- اقطاع تملیک

در این نوع اقطاع واگذاری مورد اقطاع به مالکیت مقطعه است. این شکل از اقطاع، بنابر نظر فقیهان بر زمین های موات، آباد، معادن، آب ها و غیره تعلق می گیرد. این نوع از اقطاع در زمان پیامبر متداول بوده است و پیامبر اکرم در موارد متعددی زمین های موات را به مالکیت افراد خاص در می آورده اند.

اقطاع تملیک می تواند خصوصیت وراثی داشته باشد و به حکم تملیک به وارث منتقل گردد، یا موقت و منحصر به دوران حیات مقطع باشد. (فضل الله، ۱۳۶۲: ۳۰۶)

۲-۶- اقطاع استغلال

اقطاع استغلال: به معنای واگذاری حق بهره برداری به مقطع است. این نوع اقطاع معمولاً در مواضعی که مورد اقطاع وقف دائم مسلمانان است و اقطاع تملیک آن جایز نیست داده می شود. اقطاع استغلال رایج ترین شیوه اقطاع داری به ویژه در اقطاعات لشکری است که از دوره آل بویه به این سوی در سراسر قلمرو اسلام رواج یافته و دیگر انواع اقطاع را تحت الشعاع قرار داده است. (فهد، ۱۹۷۳: ۳۳۲) در این نوع اقطاع به جای آن که لشکریان از بیت المال مقرری بگیرند حق گردآوری درآمد اراضی بدانها اعطا شده است. این نوع اقطاع را در متون فارسی «سیورغال» نیز می گفتند (فضل الله، ۱۳۶۲: ۳۰۷) اقطاع استغلال به طور نظری و بنابر طبیعت آن نمی توانست موروثی باشد.

۳-۶. اقطاع ارفاق

درباره اقطاع ارفاق میان دانشمندان اتفاق نظر نیست. برخی اقطاع معادن زیرزمینی را که مقطع بر آن کار می‌کند، اقطاع ارفاق شمرده‌اند. (مظفر، ۱۳۹۲: ۲۶۰) اما بیشتر دانشمندان این نوع اقطاع را، واگذاری حق استفاده یا اقطاع جایی در راه‌ها و صحن مساجد و بازارها برای کسب و کار دانسته‌اند. ایشان چنین اقطاعی را به شرطی که مقطع به دیگران ضرر نرساند، درست دانسته و تصریح کرده‌اند که این اقطاع موجب تملیک نمی‌شود. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ج ۷: ۳۳-۳۷) اما فقهای امامیه، استفاده از راه‌ها و کوچه‌ها، میدان‌ها و صحن مساجد را حق همه مردم می‌دانند و اقطاع آن را درست نمی‌شمارند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۷۶؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۳۴)

۷- ضوابط اقطاع

بر اساس کلام فقها، منابع و ثروت‌های طبیعی حکومت اسلامی متعلق به حاکم اسلامی (به سبب شخصیت حقوقی نه حقیقی) و رهبر امت است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۸۴) و حاکم اسلامی موظف است آنها را بر اساس ضوابط و معیارهای مشخص مصرف نماید. ضابطه اقطاع در زمان حضور معصوم علیه السلام به دلیل روایات وارده در باب انفال^(۱)، مشیت و اراده امام است. ولی در عصر غیبت، با دقت و ملاحظه کیفیت و چگونگی اقطاع حکومت نبوی می‌توان ضوابطی را استخراج کرد تا حکومت اسلامی بتواند با لحاظ این ضابطه‌ها این امر مهم را به خوبی انجام دهد. این ضابطه‌ها عبارت‌اند از:

۱-۷. عدالت:

عدالت به عنوان مهمترین مبنای حکومت داری، میان فقهای امامیه از اهمیت و جایگاه رفیعی برخوردار است؛ گرچه فقها صراحتاً از عدالت به عنوان ضابطه و معیار تصمیم‌گیری‌های حکومتی نامی به میان نبرده‌اند، لیکن اجماع فقها بنابر لزوم عدالت از سوی حاکمان و قاضیان در گرفتن مناصب، تصمیم‌گیری‌ها و داوری‌هاست. اهمیت عدالت به اندازه‌ای

۱. «فَهُوَ لِرَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ لِلْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ» انفال متعلق به رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم است و بعد ایشان به امام معصوم علیه السلام عهده دار آن خواهد بود و به هر نحو که اراده کرد می‌تواند مصرف کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۳۹)

است که شیخ طوسی معیار مشروعیت حکومت را عدالت دانسته است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۵۶) در خصوص اقطاع نیز، حاکم جامعه اسلامی مکلف است همچون سایر عرصه‌های حکومتی، عدالت را در هنگام اقطاع رعایت نماید.

۲-۷- مصلحت

فقه‌های امامی با تاکید بر این که مصلحت برآیندی از منافع مادی و معنوی با رعایت اولویت‌های متخذ از روح شریعت است، به لزوم رعایت مصلحت در اقطاع تصریح کرده‌اند. به طوری که شیخ طوسی درباره زمین‌هایی که به عنوان جزیه از اهل ذمه گرفته شده و نیز زمین‌هایی که صاحبان آن بدون جنگ و درگیری تسلیم مسلمین شده‌اند و آن را واگذاشته‌اند و به موات تبدیل شده است، همچون واگذاری زمین‌های مفتوح العنوه^(۱)، واگذاری آن‌ها را منوط به مصلحت اسلام و مسلمین می‌داند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۱۴۹)

فقیهان عامه نیز بر لزوم رعایت اصل مصلحت در هزینه کردن اموال عمومی اتفاق نظر دارند. (ابویوسف، ۱۳۰۲: ۶۶۰؛ زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۸۴)

۳-۷- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از ضوابط دیگر اقطاع است؛ از جمله مصادیق این قاعده، حفظ مسائل زیست محیطی و توجه به حقوق نسل حال و آینده در استفاده از منابع خدادادی است. از این رو بر اساس این قاعده لازم است حاکم اسلامی در طرح‌ها، برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، دستور العمل‌ها و بخشنامه‌ها، به حفاظت و صیانت از این منابع توجه نماید تا اقطاع منابع به گونه‌ای نشود که به منابع نقص و کاستی وارد شود و محیط زیست بشری را در معرض خطرها و بلاهای طبیعی قرار دهد یا نسل‌های آینده از برخورداری از آن محروم گردند.

۸- تبیین وضعیت اقطاع در نظام حقوق داخلی

در نظام حقوقی ایران نامی از توزیع عادلانه ثروت‌ها و منابع طبیعی- انفال- که از آن تعبیر به اقطاع می‌شود برده نشده است و صرفاً در متون تاریخی و فقهی بدان پرداخته شده است. اما موضوع این امر در اصل ۴۵ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. طبق این

۱. اراضی مفتوح العنوه: زمین‌هایی که بدون جنگ و خونریزی به دست سپاه اسلام افتد.

اصل، «انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید». از مصالح اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران طبق اصل ۴۳ قانون اساسی، تأمین بستر مناسب و در اختیار قرار دادن وسایل کار برای متقاضیان برای رسیدن به اشتغال کامل و رفاه جامعه می‌باشد.

همچنین در یک نگاه کلی می‌توان اقطاع را از مبانی فقهی حقوقی سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد خصوصی سازی دانست. طبق اصل ۴۴ قانون اساسی همان طور که در صورتی که مالکیت خصوصی باعث زیان جامعه باشد مورد حمایت قانون اساسی نیست، مالکیت دولتی نیز نباید دولت سالاری را پدید آورد و مانع رشد و توسعه اقتصاد کشور شود. (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۱) لذا مطابق سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که در سال ۱۳۸۴ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، بسیاری از منابع مالی و دارایی های دولت اسلامی می‌تواند با در نظر گرفتن معیارهایی و در راستای توسعه اقتصادی کشور واگذار گردد.

دولت در واگذاری منابع اعم از زمین، معدن و ... می‌تواند دو راه را برگزیند یک شیوه انتقال منابع خود همراه با انتقال مالکیت و شیوه دیگر واگذاری این گونه منابع به اشخاص حقیقی و حقوقی بدون انتقال مالکیت و تحت عناوینی چون قرارداد مدیریت، قرارداد اجاره و... (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۳)

علاوه بر قانون اساسی، مساله واگذاری منابع طبیعی در سایر قوانین کشورمان نیز دارای سابقه است و از نخستین قوانین مرتبط با واگذاری منابع طبیعی بعد از انقلاب اسلامی می‌توان به قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۵ شورای انقلاب اسلامی اشاره کرد.^(۱) در این قانون، اراضی موات در اختیار حکومت دانسته شده و حکومت

۱. این قانون در ۱۳۵۸/۱۲/۲۸ مورد اصلاح قرار می‌گیرد و در نهایت اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۶ به تصویب شورای انقلاب می‌رسد. آیین نامه اجرایی این لایحه قانونی در جلسه مورخ ۱۳۵۹/۲/۳۱ به تصویب شورای انقلاب اسلامی ایران رسیده است و کلیه قوانین و نظامات مغایر با خود را ملغی اعلام نموده است.

را مکلف کرده است تا با رعایت مصالح جامعه و در حد نیاز و توانایی اشخاص بهره برداری از آنها را به افراد یا شرکت ها واگذار نماید.^(۱) و به موجب ماده ۵ این قانون حق واگذاری اراضی را با لحاظ رعایت ضوابط واگذاری مندرج در ماده ۶^(۲) به عهده هیئت مسئول واگذاری زمین گذاشته شد.^(۳) این قانون علاوه بر افراد حقیقی، واگذاری زمین را به اشخاص حقوقی، تعاونی ها و شرکت ها را مجاز دانسته است. همچنین در ماده ۷ قانون مذکور، اراضی قابل واگذاری به اشخاص حقیقی و حقوقی را بدین شرح نام برده است: اراضی بایر، اراضی متعلق به دولت، اراضی موات، مراتع، اراضی جنگلی جلگه ای پراکنده و محاط در مزارع و باغات، اراضی دایر. اهم موارد واگذاری اراضی در جمهوری اسلامی ایران برای اجرای برنامه های عمومی و عمرانی مورد پیش بینی واقع شده است.^(۴)

۱. ماده ۲: اراضی در اختیار حکومت اسلامی است و حکومت موظف است با رعایت مصالح جامعه و حدود نیاز و توانایی اشخاص بهره برداری از آنها را به افراد یا شرکت ها واگذار کند یا در مواردی که مصلحت جامعه ایجاب کند به کارهای عام المنفعه اختصاص دهد.

۲. ماده ۶: ضوابط واگذاری زمین:

در واگذاری زمین، به روستاییان بدون زمین یا کم زمین و فارغ التحصیلان کشاورزی و افراد علاقمند به کار کشاورزی به ترتیب اولویت داده می شود.

واگذاری بهره برداری از زمین برای مدت معین (چند سال) با توجه به شرایط خاص منطقه است و در صورت عملکرد مطلوب واگذاری زمین تمدید می شود.

واگذاری زمین می تواند به صورت شرکت و تعاونی یا فردی باشد و تشخیص آن با هیئت هفت نفری است.

زمین بدون عذر موجه نباید معطل بماند.

باید عملکرد روی زمین به گونه ای باشد که موجب اتلاف زمین نشود.

زمین های واگذاری قابل انتقال نمی باشد، مگر با اجازه دولت و رعایت میزان مندرج در ماده ۴ در مورد انتقال گیرنده.

کشت روی زمین ها باید با توجه به نیازهای جامعه باشد.

۳. ماده ۵: هیئت مسئول واگذاری زمین: (امور واگذاری زمین) توسط هیئت هفت نفره انجام می گیرد و دیگران حق دخالت ندارند. این هیئت تشکیل می شود از: دو نفر نماینده وزارت کشاورزی، یک نفر نماینده وزارت کشور یا استانداری محل، یک نفر نماینده جهاد کشاورزی، یک نفر نماینده حاکم شرع و ولی امر، دو نفر نماینده مردم ده به تایید نماینده حاکم شرع.

۴. ۱۷. از جمله این قوانین می توان به قانون واگذاری زمین های بایر و دایر به کشاورزان مصوب ۶۵/۸/۸ اشاره کرد. به موجب این قانون زمین هایی که کشاورزان در آن کشت موقت کرده بودند طبق شرایط مندرج در قانون و بهای عادلانه به مالکین واگذار شد. قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱/۷/۱۲ نیز از

علاوه بر اراضی، واگذاری معادن نیز در قوانین موضوعه مورد اشاره قرار گرفته است و بر اساس ماده ده قانون معادن یکی از عمده روش های انتقال معادن دولتی به بهره برداران خصوصی استفاده از مزایده است.^(۱) در خصوص آنها و منابع آبی نیز، آب های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران مطابق «قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی مصوب ۱۳۷۴» ثروت ملی کشور بوده، حفظ و حراست آن از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران می باشد. مدیریت حفاظت و بهره برداری این منابع در جهت تامین منافع ملی کشور بر اساس این قانون و مقررات اجرائی آن اعمال می گردد.

نتیجه گیری و جمع بندی

اقطاع، واگذاری زمین یا منافع حاصل از آن یا محل کسب برای زمانی محدود یا نامحدود به کسی از سوی حاکم تعریف شده است. اولین اقطاعات در دوره صدر اسلام اجرا شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از زمان تشکیل اولین دولت اسلامی در مدینه اقطاعات خود را شروع کردند و زمین های موات یا آباد اطراف مدینه ۲ را به اقطاع دادند. به دلیل همین استنادات قطعی، فقها نیز در منابع فقهی خود به این اقطاعات اشاره کرده و با در نظر گرفتن بعضی از معیارها و ضوابط از جمله: مصلحت، عدالت و درنظر گرفتن قاعده لاضرر قائل به جواز اقطاع برای حاکم اسلامی شده اند.

اقطاع دارای انواع مختلفی است که عبارت است از: اقطاع تمیلک (واگذاری اصل زمین)، اقطاع استغلال (واگذاری حق بهره برداری) و اقطاع ارفاق (واگذاری حق استفاده از اماکن عمومی مثل راه ها، پیاده روها و...); اقطاع تمیلک در زمان پیامبر متداول و شایع بوده است و پیامبر اکرم در موارد متعددی زمین های موات را به مالکیت افراد خاص در

دیگر قوانین ناظر به انفال عمومی هستند که در آنها برخی شرایط ناظر به استفاده از این منابع ملی نیز اشاره شده است.

۱. «بهره برداران از ذخایر معدنی بلامعارض به استثناء کاشفان فقط در مهلت مقرر در ماده (۷) از طریق مزایده ای که شرایط آن به ترتیبی که در آیین نامه اجرائی این قانون خواهد آمد، از بین اشخاص حقیقی و حقوقی که به موجب قوانین کشور مجاز به فعالیت اقتصادی در ایران می باشند، انتخاب می گردند.» (ماده ۱۰ قانون معادن مصوب سال ۷۷)

۲. وادی هایی چون العقیق، ینیع، فرع و بقیع و بسیاری از زمین های دیگر که عمدتاً از موات بود.

می‌آورده‌اند. در این میان اقطاع ارفاق مورد اتفاق فقها نیست. اگر چه در نظام حقوقی ایران به صراحت نامی از اقطاع به عمل نیامده است ولی این مساله می‌تواند به عنوان مبانی شرعی و فقهی برخی از اصول قانون اساسی تلقی شود. اصول ۴۳، ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی در واگذاری منابع و ثروت های طبیعی از جمله اصول قانون اساسی هستند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به واگذاری منابع به اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخته است. علاوه بر قانون اساسی، واگذاری منابع طبیعی در مقررات و قوانین جمهوری اسلامی ایران دارای سابقه است که نخستین قوانین مرتبط با واگذاری منابع طبیعی بعد از انقلاب اسلامی می‌توان به قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۵ شورای انقلاب اسلامی اشاره کرد. اهم موارد واگذاری منابع طبیعی در جمهوری اسلامی ایران برای اجرای برنامه های عمومی و عمرانی مورد پیش بینی واقع شده است.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر :

- ۱ - خامنه‌ای، محمد (۱۳۶۱)، اقطاع، تهران: موسسه کیهان
- ۲ - عرفانیان، مهدی (۱۳۸۹)، اقطاع و ضوابط آن، تهران، پایان نامه دانشگاه امام صادق علیه السلام
- ۳ - مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹)، امکان سنجی فقهی استفاده از اقطاع و احیا در فرآیند خصوصی سازی، فصلنامه پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷
- ۴ - موسوی، جمال، اقطاع در عهد پیامبر، مقالات و بررسی ها، تابستان ۷۷، دفتر ۶۳

منابع

- ۱ - ابو عبید، قاسم بن سلام (۱۴۰۸)، الاموال، بیروت: دارالفکر
- ۲ - ابویوسف، یعقوب بن ابراہیم (۱۳۰۲)، کتاب الخراج، بیروت: دار المعرفہ
- ۳ - ابن آدم، یحیی (۱۳۰۲)، کتاب الخراج، بیروت، دارالمعرفہ
- ۴ - ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶)، المہذب، قم، جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم
- ۵ - ابن حمزہ طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸)، الوسیلہ الی نیل الفضیلہ، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی
- ۶ - اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة و البرہان فی شرح إرشاد الأذہان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم
- ۷ - بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، تہران، نشر نقرہ
- ۸ - حسینی، سید علی (۱۳۸۵)، طبیعت در سیرہ نبوی، قم، اعتماد
- ۹ - حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسہ اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ہق
- ۱۰ - حلی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی (۱۴۱۳)، مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم
- ۱۱ - حلی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی (۱۴۲۰)، تحریر الأحکام الشرعیہ علی مذهب الإمامیہ، قم: مؤسسہ امام صادق علیہ السلام
- ۱۲ - حلی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذہب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیہ، ۱۴۱۲ ہق
- ۱۳ - زحیلی، وہبہ (۱۴۰۹)، الفقہ الاسلامی و ادلتہ، سوریہ: دارالفکر
- ۱۴ - حمزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳)، مہذب الأحکام (للسبزواری)، قم: مؤسسہ المنار
- ۱۵ - شہرودی، سید محمود ہاشمی (۱۴۲۶)، فرہنگ فقہ مطابق مذهب اہل بیت علیہم السلام، قم: مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام
- ۱۶ - عاملی، شہید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیہ فی فقہ الإمامیہ، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم
- ۱۷ - عاملی، شہید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضۃ البہیۃ فی شرح اللمعۃ الدمشقیہ، قم، کتابفروشی داوری

- ۱۸ عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- ۱۹ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریه
- ۲۰ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الكتاب العربی
- ۲۱ فضل الله بن روزبهان (۱۳۶۲)، سلوک الملوك، به کوشش محمد علی موحد، تهران
- ۲۲ فهد، بدری (۱۹۷۳)، تاریخ العراق، بغداد، بی جا
- ۲۳ کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه
- ۲۴ فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم، نشر هجرت
- ۲۵ مظفر، محمود بن محمد حسن (۱۳۹۲)، إحياء الأراضي الموات، قاهره، المطبعة العالمیه
- ۲۶ نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۹۸۱)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- ۲۷ واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴)، الطبقات الکبری، به کوشش محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه

نشریات

- ۲۸ مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹)، امکان سنجی فقهی استفاده از اقطاع و احیا در فرآیند خصوصی سازی، فصلنامه پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir